روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۲۳ مهر ۱۳۹۴ • ۱ محرم ۱۳۴۷ • ۱۵ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۲۳ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۸ • اذان صبح‌فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۱

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

آچارکشی

جیب‌وجوب

پوریا عالمی

● وکیل‌مدافع محمود احمدی‌نژاد، که بعد از رئیس‌جمهوری اسبق، رئیس‌جمهوری سابق کشورمان شد، گفت: «مسدودشدن حساب شخصی احمدی‌نژاد واقعیت ندارد و موکلم حساب مسدودشده‌ای ندارد».

چندتا مسئله وجود دارد. اول اینکه مگر آقای احمدی‌نژاد حساب شخصی داشت؟ چون هر کاری می‌کرد و هر حرفی می‌زد، هزینه‌اش را ما می‌پرداختیم. واقعا من فکر می‌کردم دکتر حساب شخصی ندارد که این‌قدر بی‌حساب‌وکتاب حرف می‌زند و خرج می‌کند. چون خود ما که یک حساب شخصی داریم، وقتی می‌رویم ساندویچی، حساب‌کتاب می‌کنیم ساندویچ را با نوشابه بخوریم، کمتر می‌افتد، یا با آب‌معدنی. بعد هم اگر یادتان باشد دکتر مصوب کرد مردم دست‌به‌کار شوند و هر کی بچه‌دار شود، دولت یک‌میلیون تومان به حسابش می‌ریزد و ماهی یک‌چیزی هم می‌گذارند توی حساب بچه که وقتی بزرگ شد دستش توی جیب خودش باشد. یادتان است؟ عمرا. ما ایرانی‌ها پدر فراموشی جهان هستیم. خلاصه، مردم دست‌به‌کار شدند و پدر خانواده به دلیل تورمی که وجود داشت فشار روانی زیادی آورد که بچه شش‌ماهه به‌دنیا بیاید. بعد بچهه که به دنیا آمد، دولت یک‌میلیون تومان پول ریخت به حساب بچه. بابای بچه صبح رفت بانک پول را بگیرد، دولت گفت: «بیا». و یک‌لیوان آب‌یخ داد دست مردم و گفت بیا این آب‌یخ را بخور جوش نیاوری، به این پول نمی‌توانی دست بزنی. بعد چی شد؟ بعد از دوماه، شبانه دولت از حساب مردم یک‌میلیون‌تومان‌ها را خارج کرد و ریخت توی یک حساب دیگر. مردم گفتند پس چی شد؟ چرا حساب ما خالی شد؟ دولت گفت «بیا». و یک‌لیوان آب‌یخ دیگر داد دست مردم و گفت بیا این را بخور جوش نیاوری.

این حساب مردم. چندتا حساب هم بود که مال دکتر نبود و مال مردم بود و دوروبری‌های دکتر مال مردم را خوردند و رفتند بغل سلین دیون همسایه شدند یا مال مردم ناچیز بود، دکل نفتی مردم را هم خوردند و یک لیوان آب هم روش. بگذریم.

دیدید؟ این‌طوری بود. یعنی اصولا تا آنجا که ما یادمان است، هیچ‌وقت دکتر دست نکرد جیبش حساب کند و همیشه هرجا رفت و هرچی گفت و هرچی کرد، گذاشتند به حساب ما. وقتی هم که رفت، دیدید که همه‌چیز را به حساب ما نوشته بودند و کلی تحریم و قطع‌نامه روی دست ما ماند و قطع‌نامه‌دان هیچ‌کسی هم پاره نشد اما جیب و کفش و... ما پاره شد. باز هم بگذریم. خلاصه والا ما فکر می‌کردیم این از زهد دکتر است و دکتر حساب شخصی ندارد. اصلا هم فکر می‌کردیم وکیل هم ندارد و فقط رحیمی و مشایی و بقایی‌اینا وکیل‌لازم هستند. خلاصه که ما ذهنمان درگیر شده که اگر حساب شخصی داشته، چرا از جیب ما رفته و آب و پول رفته هم که به جیب و جوب برنمی‌گردد. ای‌بابا.

میراث فردا

یادی از یک اسطوره‌شناس نامی

محمود برآبادی
نویسنده کودک

● بازنویسی متون کهن فارسی ازجمله کارهایی است که بسیاری از نویسندگان به‌آن اهتمام ورزیده‌اند، اما از میان اینها کمتر کسی کاری اصولی، خواندنی و ماندگار کرده است. آنچه در بازنویسی آثار کهن به‌ویژه حماسه‌ها و اسطوره‌ها باید رعایت شود، حفظ فضای آرکاییک اثر از راه به‌خدمت‌گرفتن نثری پاکیزه و لحنی مناسب است. مهرداد بهار که بیشتر شهرتش را به‌خاطر پژوهش در زمینه فرهنگ و اساطیر ایران دارد، چند بازنویسی برای نوجوانان دارد که در این زمینه از بهترین‌ها به‌شمار می‌رود. بازنویسی‌های خلاق او با نثری شیرین و روان، مخاطبان را با دلاوری‌های پهلوانان اساطیری ایران آشنا می‌کند و روحیه میهن‌دوستی را در آنها برمی‌انگیزاند. جمشیدشاه (۱۳۴۶)، بستور (۱۳۵۷)، رستم و دیوسفید (۱۳۷۰) و رستم و سهراب (۱۳۷۳) بازنویسی‌های مهرداد بهار از شاهنامه فردوسی است. کتاب جمشیدشاه با نقاشی‌های فرشید مثقالی از سوی شورای کتاب کودک، کتاب برگزیده سال معرفی شد و بستور تاکنون چندبار چاپ شده است. مهرداد بهار، فرزند زنده‌یاد ملک‌الشعرای بهار است که در سال ۱۳۰۸ خورشیدی به‌دنیا آمد. او که زبان‌شناس و پژوهشگر فرهنگ و تمدن‌های کهن ایرانی بود، سابقه شش سال مطالعه زبان‌های پارسی باستان، پارسی میانه و فرهنگ ایران را در دانشکده شرق‌شناسی دانشگاه لندن و سال‌ها مدیریت گروه اساطیر فرهنگستان زبان ایران را در کارنامه ادبی خود دارد. مهرداد بهار مسلط به زبان‌های باستانی ایران بود و سال‌ها به کار پژوهش و تدریس زبان‌های باستانی پرداخت و این مهم را تا پایان عمرش در سال ۱۳۷۳ ادامه داد.

کارتون خواب

علی رومانی
aliromani84@gmail.com

بیست و سوم مهر ماه روز جهانی نابینایان

خلط مبحث

کاغذها دیگر توان ندارند اسماعیل

مرضیه رسولی

حالا تقریبا هرکسی که بخواهد کتابی منتشر کند، این امکان برایش فراهم است. اگر این ناشر قبول نکرد آن ناشر حتما قبول می‌کند یا حتی می‌شود کتاب را با هزینه شخصی منتشر کرد. احتمالا این نتیجه دموکراسی است و همه را هم راضی نگه می‌دارد. آدم‌ها می‌گویند چه اشکالی دارد بگذاریم همه کتاب منتشر کنند؟ به کی ضرر می‌رساند؟ ناشرهای فعال فعال‌تر شده‌اند، خیلی‌هایشان دیگر وسواس‌های قدیمی را ندارند. چون بازار رقابت نمی‌گذارد به وسواس‌ها و اصولی که مثلا یک دهه پیش داشتند پایبند بمانند. کتاب‌ها با بی‌شمار غلط‌های تایپی و نگارشی منتشر می‌شوند، بیشترشان نازک شده‌اند و آب رفته‌اند، کتاب‌هایی که اندازه‌شان به دوبند انگشت می‌رسد فراوان شده‌اند و مثلا ۵۰ پیامک عاشقانه یا ۵۰ رازی را که دختران درباره پسران نمی‌دانند یادمان می‌دهند. جمعیت عظیمشان را می‌شود در نمایشگاه کتاب تهران دید. آدم از وجود این‌همه ناشر و کتاب حیرت می‌کند. چقدر کاغذ صرف انتشارشان شده است؟ می‌شود خلاف جریان آب این‌بار به انتشار بی‌حد کتاب اعتراض کرد و گفت چرا این‌قدر کاغذ حرام می‌کنید؟ نه نمی‌شود. چون هنوز که هنوز است آنچه برایش تبلیغ می‌شود، عزیز داشته می‌شود، نماد فرهنگ و فرهیختگی است، دست هرکسی ببینند بدون اینکه به عنوان نگاه کنند برایش هورا می‌کشند کتاب است.

مردم از دیدن نانوایی که توی دکانش یک ردیف کتاب چیده چنان به وجد می‌آیند که قلمدوشش می‌کنند، دور شهر می‌گردانند و به‌عنوان الگو و کسی که برای نجات فرهنگ نازل شده، به همه نشانش می‌دهند. اما محض رضای خدا کسی می‌رود جلو ببیند این ردیف کتاب‌ها درباره چیستند؟ چه عنوان و محتوایی دارند؟ انگار محتوا هیچ اهمیتی ندارد. یاد گرفته‌ایم از دیدن شکل کتاب، کاغذ، جلد و شیرازه مشعوف شویم و کالا و ابزاربودن کتاب کاملا فراموش شده است. هنوز که هنوز است از اینکه مردم کتاب نمی‌خوانند شکایت داریم و آنها را به‌دلیل سهل‌انگاری و غفلتشان خفت می‌دهیم و مدام سرکوفت می‌زنیم که چرا کتاب نمی‌خرید؟ چطور پیتزا می‌خرید؟ یا مثلا آقای زیباکلام فرهنگ ما و «خارج» را این‌طوری مقایسه می‌کند که آنجا با اینکه مردم یک دستشان را به میله اتوبوس گرفته‌اند یک دست دیگرشان کتاب است. خیلی از مردم هم در جواب می‌گویند به‌خدا وقت نمی‌کنیم، خیلی گرفتاریم، فشار اقتصادی نمی‌گذارد.

اما حقیقت این است که محتوای خیلی از کتاب‌هایی که به بازار می‌آیند و در همان نمایشگاه کتاب ردیف‌به‌ردیف چیده می‌شوند در رسانه‌های دیگر هم وجود دارد. مثلا ۵۰ پیامک عاشقانه را می‌شود در کتاب نخواند و در تلگرام خواند. شبکه‌های اجتماعی به ما یاد داده‌اند که مردم بیش از هر چیز نیازمند مدیوم‌های تازه‌اند. فیس‌بوک با اینکه حدود ۱۰ سال از زمان ایجادش می‌گذرد به دوران افول نزدیک شده و شبکه‌ای کهنه به حساب می‌آید. وقتی شبکه‌های اجتماعی آمدند فکر می‌کردیم دیگر دوران رسانه‌های یک‌طرفه‌ای مثل رادیو سپری شده. اما همین کانال‌های تلگرام مگر مشابه رادیو، رسانه‌های تک‌گو و یک‌طرفه نیستند؟ هستند اما راز موفقیتشان در جدیدبودن رسانه است. در همین تلگرام مردم متن‌های بلند را می‌خوانند و با هم به اشتراک می‌گذارند و اصلا بهانه نمی‌آورند که وقت ندارند و فشار اقتصادی نمی‌گذارد. کتاب (کاغذ و جلد و شیرازه) دیگر خیلی از مردم را حتی توی همان خارج هم تحریک نمی‌کند. (آمارها می‌گویند هر آمریکایی به‌طور متوسط کمتر از چهار کتاب در سال می‌خواند یا نسل جدید در اروپا با کتاب بیگانه شده). تبلیغ‌کردن کتاب فارغ از محتوا مثل این است که مثلا تبلیغ لپ‌تاپ کنیم و به مردممان بابت استفاده از آن مفتخر باشیم. بهتر است کار بهتر را انجام داد. از تبلیغ کتاب به‌صرف اینکه کتاب است دست کشید و محتوای ارزشمند را تبلیغ کرد، نه‌فقط در کتاب که هنوز برای برخی رسانه جذابی است، بلکه در هر رسانه‌ای که منتشر شده باشند.

سلام به فردا

دارایی مسئولان محرمانه است اما رصد می‌شود

صالح نیکبخت

مطابق اصل ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنها قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه‌قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد. براساس این اصل، مقاماتی که به هنگام تصدی مشاغل و مناصب باید دارایی خود را اعلام کنند و این دارایی تا زمانی که در آن شغل و منصب هستند رصد می‌شود، معدود و محصور به موارد ذکرشده در این اصل است. اما براساس طرح جدیدی که در سال ۱۳۸۷ به مجلس داده شد و احتمالا به جهت کشف فساد از مسئولان و مقامات دولتی و جلوگیری از تکرار آن بود، رصدکردن دارایی افراد بیشتری ضرورت یافت. در طرح تقدیمی به مجلس که مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌تازگی پنج ماده آن را تصویب کرده است، تعداد افرادی که اموال آنها باید رسیدگی و رصد شود، افزایش پیدا کرده و در ماده ۳ این قانون مقامات و مسئولانی که موظف هستند دارایی خود را پیش و پس از تصدی مقامشان اعلام کنند در ۲۴ بند احصا شده است. در این ماده علاوه بر مقاماتی که در اصل ۱۴۲ آمده است، مقامات دیگری نیز اعم از کشوری و لشکری و حتی خود رئیس قوه‌قضائیه نیز که باید دارایی به او اعلام شود، آورده شده است و در تبصره ذیل بند ۲۴ اعلام شده مرجعی که رئیس قوه‌قضائیه باید دارایی خود را قبل و بعد از تصدی این مقام به او اعلام نمایند توسط مقام معظم رهبری تعیین می‌شود. بنابراین طرح جدید که تعداد مقامات در آن توسعه و افزایش پیدا کرد علی‌القاعده نباید توسط شورای نگهبان تأیید می‌شد زیرا این طرح با اصل ۱۴۲ قانون اساسی که این افراد محدود بودند، منافات داشت و به همین جهت بود که این طرح به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت. اکنون پنج ماده از این طرح توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شده است. برخلاف آنچه عده‌ای پیش‌بینی و قضاوت می‌کنند، فلسفه اصل ۱۴۲ قانون اساسی و به‌تبع آن قانون جدیدی که در مجمع مطرح است این است که برای سلامت نظام اداری کشور و عدم سوءاستفاده احتمالی مقامات، آنان دارایی‌های خود را به قوه قضائیه به‌عنوان مرجع رسمی قضاوت درباره تظلمات مردم، اعلام کنند تا دارایی کسی به صورت غیرمتعارف و برخلاف حق افزایش نیافته باشد. به این جهت در این قانون هیچ‌گونه پیش‌بینی‌ای درباره اینکه افراد احصاشده در ماده ۳ بتوانند تمام یا بخشی از دارایی‌های خود را مکتوم نگه دارند، وجود ندارد و آنچه در ماده ۴ و ۵ این قانون آمده، این است که با اعلام دارایی‌های افراد احصاشده در این قانون، مسئولانی که این اموال و دارایی‌ها به آنها اعلام می‌شود و آن را ثبت و ضبط می‌کنند، حق افشای آن را ندارند و قانون‌گذار برای افشای اموال و دارایی‌های افراد به صورت عمد و غیرعمد مجازات تعیین کرده است و اگر قرار بر مکتوم‌ماندن این اموال باشد، فقط ناظر بر مسئولانی است که از این اموال مطلع شده‌اند و ممکن است برای افشاگری درمورد مالکیت و دارایی افراد از آن سوءاستفاده کنند. چنان‌که در خود این قانون آمده است تمام اموالی که ارزش مالی داشته باشد اعم از منقول و غیرمنقول و اوراق سهام و مشارکت و نیز وجوه حساب‌های افراد موردنظر قرار گرفته. در همه کشورهای جهان اموال و دارایی مقامات رصد می‌شود اما فهرست آن محرمانه است. از آنجایی که فلسفه این قانون ایجاد محیط مشحون از سلامت مالی و اداری در کشور است، قوه‌قضائیه اگر تاکنون برای این کار صرفا به اخذ و نگهداری صورت دارایی‌ها اکتفا کرده باشد، در آینده باید نه‌تنها صورت این دارایی‌ها را بگیرد بلکه باید آنها را مورد کنکاش و رسیدگی دقیق قرار داده و همان‌طوری که در اصل ۱۴۲ تأکید شده، نحوه رسیدگی به صورتی باشد که این قوه احراز کند که دارایی هیچ‌کس از مقامات نام برده‌شده در قانون برخلاف حق به دست نیامده باشد. البته این کار به‌تنهایی هدف قانون‌گذار را برآورده نمی‌کند زیرا ممکن است دارایی افزایش‌یافته و خلاف‌حق برخی مقامات، مستقیما به حساب یا در مالکیت این افراد یا همسر و فرزندانشان قرار نگیرد و به صورت‌های دیگر از قبیل تأسیس مؤسسه یا واریز به خیریه منتقل شود بنابراین برای ایجاد محیط سالم اداری کامل لازم است دستگاه قضائی کشور از همه راه‌های دیگر نیز استفاده کند تا حوادثی مشابه آنچه در سازمان تأمین اجتماعی به وجود آمد و هم‌اکنون پرونده آن در حال رسیدگی است، اتفاق نیفتد.

گزارش

روایت مصائب جنگ بر دوش زنان خاورمیانه

شرق: تور نمایشگاه عکس «زنان ایران و خاورمیانه؛ قدرت پایدار» که سال گذشته از دانشگاه دیویس کالیفرنیا آغاز شده بود، امسال با نمایش نزدیک به ۵۰ تابلو عکس از هشت عکاس زن از ایران و چهار کشور دیگر از خاورمیانه به سانفرانسیسکو آمده است؛ اتفاقی که با استقبال برخی سایت‌ها و مردم شهر روبه‌رو شده است. پوستر اصلی نمایشگاه زنی را نشان می‌دهد که با چادر ایستاده و دستانش را تتو کرده است. این عکس از آن حمیده ذوالفقاری، است که هفت سال در میان زنان اقوام ایرانی با دوربینی در دست گشت و عکس گرفت تا حاصل آن کتابی شد که انتشارات فرهنگسرای یساولی چند سال قبل به بازار کتاب عرضه کرد. سه عکاس زن دیگر ایرانی به نام‌های سارا ساسانی، مریم سعیدپور و مژگان پارسامقام به‌همراه عکاسانی از مصر، یمن، بحرین و کویت آثارشان را به تماشا گذاشته‌اند. هرچند نمایشگاه درنهایت به نام بانوی آمریکایی «کارن کانینگ ابوزید» نام‌گذاری شد که بیش از ۳۰ سال از عمرش را به‌عنوان کمیساریای عالی سازمان ملل در مناطق محروم کشورهای آفریقایی و خاورمیانه گذرانده است. او چندسالی نیز در غزه به کودکان و مادران فلسطینی کمک کرد و همچنین از جمله افرادی است که هم‌اینک به‌دنبال کمک به مردم آسیب‌دیده سوریه هستند. ابوزید در سخنرانی افتتاحیه به نکته‌ای مهم و زنانه توجه کرده است: «این نمایشگاه نشان می‌دهد که زنان منطقه قدرتمندند». به گفته برگزارکننده این نمایشگاه: «خانواده‌ها و به‌خصوص زنان با تلخی جنگ و مصائبی که بر خانواده‌ها و زنان وارد می‌شود روبه‌رو هستند و این مسئله متأسفانه با سکوت می‌گذرد و هدف از برپایی این نمایشگاه، رساندن این پیام به جامعه جهانی و به‌خصوص جامعه دانشگاهی در آمریکاست».